

# طراحی الگوی بومی فرایند کنترل قاچاق

## کالا و ارز از منظر رفاه اجتماعی

ناصر آزاد<sup>۱</sup> N\_azad@azad.ac.ir

حامد ریاحی<sup>۲</sup> Riahimec@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

### چکیده

قاچاق کالا و ارز پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد چندگانه است که از یک طرف به اقتصاد پنهان و زیرزمینی و از سوی دیگر به نظم اجتماعی خرد و کلان، فرهنگ‌ها و نگرش‌ها مربوط می‌شود که زیان‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، فرهنگی و بهداشتی ایجاد می‌نماید. از این منظر، بررسی ارتباط رفاه اجتماعی و قاچاق، برای فهم و استخراج الگوی کنترل این پدیده ضروری است. در نتیجه «طراحی الگوی بومی کنترل قاچاق کالا و ارز از منظر رفاه اجتماعی» به‌عنوان هدف پژوهش برای اولین بار مطرح شد. پژوهش حاضر اکتشافی بوده و از طریق مصاحبه نیم‌ساخت‌یافته با ۱۲ نفر از خبرگان و بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد انجام و مدل مفهومی و نظریه متناسب آن ارائه شد. همچنین ضمن بهره‌گیری از روش دلفی، روایی محتوایی ( $CVR=0.78$ )، پایایی بازآزمون ( $0.80$ ) و پایایی دو کدگذار ( $0.83$ ) در حد مطلوب ارزیابی شد. از نتایج پژوهش، طراحی مدل مفهومی علل، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای کنترل قاچاق از منظر رفاه اجتماعی (۱۴ مقوله فرعی و ۲۲ مقوله اصلی)، مستندسازی بخشی از دانش سازمانی و استخراج سؤالات پژوهشی بود که امید است با تحقیق دربارہی آن‌ها بتوان به تدوین الگوی جامع کنترل قاچاق کالا و ارز دست یافت.

**واژگان کلیدی:** قاچاق کالا و ارز، رفاه اجتماعی، حکمرانی مطلوب، پیشگیری از جرم، نظریه داده‌بنیاد

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، گروه مدیریت بازرگانی تهران ایران

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب گروه مدیریت بازرگانی تهران و مدرس دانشگاه

## مقدمه

قاچاق کالا دارای ابعاد چندگانه است که از یک طرف به اقتصاد پنهان و اقتصاد زیرزمینی ارتباط می‌یابد و از سوی دیگر به نظم اجتماعی خرد و کلان و به فرهنگ‌ها و نگرش‌ها مربوط می‌شود. زیرا قاچاق کالا نشانگر بی‌نظمی اجتماعی موجود در یک منطقه و عدم حاکمیت قانون و قانون‌پذیری است (بیابانی، ۸۷، ص ۱۱).

قاچاق کالا و ارز برخاسته از عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی بوده که با شاخص‌های درآمد، قدرت خرید، رفاه، اشتغال، بهره‌وری نیروی کار، روابط اجتماعی، امنیت، ارتباطات، شاخص‌های بهداشتی، دسترسی به نقاط شهری، مهاجرت و توزیع جمعیت دارای رابطه است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۰؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

طی سال‌های گذشته افزایش مخاطرات، تنش‌ها و بحران‌های مالی و اقتصادی، اهمیت مطالعه و تحقیق برای کنترل و مدیریت این تنش‌ها را افزایش داده است. از سوی دیگر، بهبود زندگی بشر، هدف اصلی برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی بوده و این امر در ارتباط مستقیم با شاخص‌های اقتصادی است. از این منظر، برهم‌خوردن رفاه اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز انواع مفاصد اقتصادی و اجتماعی شود. به‌نحوی که امروزه اقتصاد پنهان همپا با اقتصاد سالم و پویا در عرصه جهانی عرض اندام نموده و بخشی از اقتصاد دنیا را به تناسب وضعیت اقتصادی هر کشور و منطقه شکل داده است. بنابراین برای ارائه مدل کنترل قاچاق کالا و ارز، در نظر گرفتن شاخص‌های رفاه اجتماعی با بهره‌گیری از رویکردهای نوین علمی، مورد نیاز است.

تأمین و توزیع مناسب کالاها، با توجه به تنوع و تعدد اقلام، میزان تقاضا و مصرف و سهم قابل توجه واردات و تولید، جایگاه ویژه‌ای در منظومه‌ی اقتصاد، تولید، تجارت، سلامت و رفاه جامعه دارد. در اثر برهم خوردن انضباط و فقدان شفافیت گردش کالا و ارز، زنجیره تأمین (تولید یا واردات)، توزیع و مصرف کالاها دچار آسیب می‌شود و قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از ابعاد اقتصاد پنهان و نوعی ناهنجاری اقتصادی- اجتماعی ظهور می‌یابد. پدیده قاچاق کالا و ارز یک مسئله

چند وجهی و سیستمی بوده که در یک نگاه آسیب‌شناسانه معلول عوامل متعددی در حوزه‌های

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و ... است که علاوه بر ضررهای مالی و مادی و هدر نمودن فرصت‌های تولید و اشتغال، سلامت مردم را تهدید می‌نماید و حتی منجر به مخاطرات جانی می‌شود (نعامی و ریاحی، ۱۳۹۸).

طبق آخرین آمار اعلامی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حدود ۱۳ میلیارد دلار قاچاق کالا و ارز در سال ۹۶ برآورد شده است (سایت اقتصاد پنهان، ۱۳۹۷). طبق بررسی‌های آماری کارشناسان اقتصادی حدود ۵۰٪ از فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی، به قاچاق اختصاص می‌یابد. بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق کالا نشان می‌دهد که متغیرهای اصلی تأثیرگذار در افزایش آن، بی‌سازمانی اجتماعی (در سه سطح فردی، خانواده و جامعه)، محیط آلوده زندگی، وضعیت اقتصادی، وضعیت خانواده، ناکامی، یادگیری اجتماعی و گروه همسالان و به‌طور کلی زنجیره فقر، بیکاری و نیاز می‌باشد (صحبتی‌ها و ذوالقدر، ۱۳۹۳).

طبق مطالعات گذشته، ارتقاء شفافیت اقتصادی، بهبود سطح رفاه و به‌طور کلی پیشگیری از قاچاق (در مقابل مبارزه و برخورد انتظامی صرف)، رویکرد غالب کشورهای پیشرو در سالم‌سازی اقتصاد است و به‌نظر می‌رسد ارتقاء شاخص‌های رفاه اجتماعی منجر به کاهش قاچاق و فعالیت‌های پنهانی اقتصادی خواهد شد، لیکن این موضوع در کشورمان به‌نحو مطوب در بوته‌ی نقد و تحلیل متدولوژی‌های علمی قرار نگرفته و در عین حال تفاوت نگاه‌هایی در خصوص ارتباط افزایش قاچاق و سطح رفاه در نقاط مرزی بین صاحب‌نظران این حوزه وجود دارد. از این منظر، ارائه پاسخ به سؤالاتی پیرامون شناسایی چگونگی تأثیر و تأثر شاخص‌های رفاه اجتماعی و پدیده‌ی قاچاق کالا و ارز و تشخیص و تمایز عوامل علی، زمینه‌ها، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای آن، بر اساس مستندسازی علمی ضروری است. در نتیجه «طراحی الگوی بومی کنترل قاچاق کالا و ارز از منظر رفاه اجتماعی» به‌عنوان هدف پژوهش حاضر مطرح شد.

## ۲. ادبیات پژوهش

### ۲-۱) قاچاق کالا و ارز:

کنوانسیون بین‌المللی کمک‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب اکتبر ۱۹۹۷ شورای همکاری گمرکی و اصلاحیه‌های بعدی (موسوم به کنوانسیون نایروبی) قاچاق را این‌گونه تعریف کرده است: «قاچاق عبارت است از تقلب گمرکی که شامل گذراندن مخفیانه کالا از مرزهای گمرکی است که به آن وسیله، شخصی ضمن اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات‌ها، محدودیت‌های موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گرفته و یا منافی مغایر با قانون امور گمرکی به دست آورد» (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات ۱۳۹۴)، قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸).

### ۲-۲) رفاه اجتماعی:

رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقاء توانمندی‌ها، از اهداف آن است. واژه "Welfare"، اشاره به حالتی است از سلامت، شادی، سعادت، خوب بودن و مساعدتی به‌ویژه به صورت پول، غذا و دیگر مایحتاج ضروری که به نیازمندان ارائه می‌شود. این کلمه ابتدا معادل مصدر "To well fare" به کار می‌رفته؛ که به معنای خوب بودن و خوش گذراندن بوده است. کلمه "Social" نیز متضمن ارتباط رفاه با جامعه و مقابله با خطراتی است که در زندگی جمعی با آن روبرو هستیم. در مجموع این مفهوم به معنای حالتی از مناسب بودن است (موسوی و همکاران، ۱۳۸۸).

رفاه در جوامع سنتی عمدتاً شامل اقدامات متفرق خیریه و تعاونی‌های ابتدایی به منظور کمک به هم نوع و در قالب همیاری‌ها و دگریاری‌ها برای تأمین نیازهای اولیه

خانواده‌ها و گروه‌های محلی بود. در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰، این مفهوم را به این شکل تعبیر نموده‌اند که «رفاه اجتماعی، به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت ارضاء نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی» اطلاق می‌شود. در دهه ۱۹۹۰ «رفاه اجتماعی، مجموعه شرایطی تلقی می‌شود، که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح است» (ماکارو، ۱۹۹۷، ص ۱۰). در سال‌های اخیر با در نظر گرفتن ابعاد متنوع زندگی انسان، تعریف «رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب موسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد» مقبولیت بیشتری دارد (زاهدی اصل، ۱۳۸۱، ص ۶).

نظریه‌های بنیادین رفاه اجتماعی، به چند گروه عمده تقسیم می‌شوند. طبق نظریه وجدان اجتماعی و محرک‌های انسان دوستانه، دولت‌ها به این دلیل در طول قرون گذشته به رفاه اجتماعی توجه کرده‌اند که در رابطه با پیشرفت کشور نسبت به ارزش‌های انسان دوستانه احساس تعهد می‌کنند. به اعتقاد طرفداران تئوری شهروندی، جامعه مرفه جامعه‌ای است که در آن حقوق شهروندان تأمین است و مردم فرصت دارند حداکثر توانایی خود را به ظهور برسانند. تضمین حقوق اجتماعی شرط لازم برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی است. تساوی در مقابل قانون در شرایطی که مردم از آموزش کافی برخوردار نباشند و از دستیابی به فرصت‌های اجتماعی محروم باشند، مفهومی ندارد؛ نظریه صنعتی شدن گرچه قبلاً بسیار مطرح بوده اما امروزه، به اندازه سابق به آن نمی‌پردازند. نظریه گروه‌های ذی‌نفوذ بر نقش فعالیت‌های سیاسی تأکید دارد. بر اساس نظریه کارکردگرایی نهادهای رفاهی تحت فشار نیروهایی شکل می‌گیرند که به این کارکردها اهمیت می‌دهند و این الزامات

کارکردی در گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک منعکس می‌شود. طبق نظریه اشاعه بر نقش پیوندهای بین‌المللی تکیه می‌شود و با اینکه این نظریه تأثیر عوامل داخلی را در ایجاد برنامه‌های رفاهی نادیده نمی‌گیرد معتقد است که نقش اشاعه مدل‌ها و رویه‌ها در تحول برنامه‌های رفاهی برپایه اقدامات انجام شده در کشورهای دیگر سازماندهی شده

است که با شرایط محلی، فرهنگی و اجتماعی و نیز واقعیات متناسب نیستند و در اغلب کشورهای در حال توسعه مدل‌گیری از جوامع غربی از سال‌ها قبل رایج بوده است (شورای برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۹).

مؤسسه پژوهشی لگاتوم، شاخص بین‌المللی رفاه لگاتوم را تعریف نموده که چهارچوب آن به‌عنوان مبنایی بین‌المللی در سنجش رفاه اجتماعی جوامع مورد توافق صاحب‌نظران قرار دارد و بر این اساس رفاه اجتماعی جوامع مورد سنجش و رتبه‌بندی قرار می‌گیرد. رتبه کشور ایران در آخرین گزارش این شاخص در سال ۲۰۱۹، برابر ۱۱۹ اعلام شده است. شاخص لگاتوم بر اساس ۱۲ شاخص فرعی تشکیل می‌شود که همگی در کنار هم میزان رفاه یک کشور را اندازه‌گیری می‌کنند. این شاخص‌های فرعی عبارت‌اند از اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکمرانی، سرمایه اجتماعی، آزادی فردی، آموزش، سلامت، امنیت، محیط زیست و... (سایت مؤسسه پژوهشی لگاتوم، ۲۰۲۰). باید توجه داشت این شاخص بیان می‌دارد مرفه‌ترین کشورها آن‌هایی نیستند که صرفاً تولید ناخالص داخلی بالایی دارند، بلکه کشورهایی هستند که احساس رضایت‌مندی، خوشبختی و سعادت را در فرد شکل می‌دهند. با توجه به گستردگی متغیرهای رفاه لگاتوم و مطالعات پیشین، در این پژوهش ابتدا ۷ شاخصی که بیشتر با پدیده قاچاق در ارتباط است مطالعه شد و در فرایند اکتشافی پژوهش جانمایی، حذف و اضافات و تطابق آن‌ها بررسی شد.

جدول ۱) ۷ زیرشاخص و ۸۵ متغیر برگرفته منتخب از شاخص رفاه لگاتوم

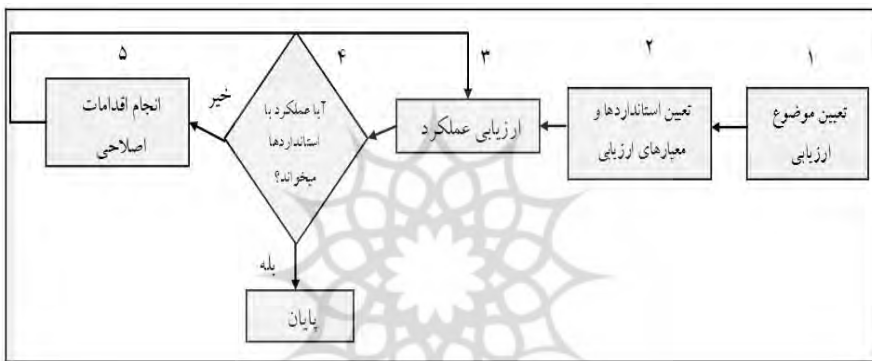
ارکان رفاه اجتماعی: ۷ زیرشاخص و ۸۵ متغیر از شاخص رفاه لگاتوم	
۱	<p>۱- میانگین پنج ساله نرخ رشد ۲- اعتماد به نهادهای مالی ۳- وضعیت اشتغال ۴- چشم‌انداز اقتصادی ۵- نرخ پسران‌داز ناخالص ملی ۶- دسترسی به مشاغل ۷- سرانه و غذای کافی ۸- نرخ تورم ۹- رضایت از کیفیت زندگی ۱۰- اندازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۱- وام‌های معوقه ۱۲- نرخ بیکاری ۱۳- صادرات تکنولوژی‌های پیشرفته ۱۴- اندازه بازار ۱۵- میانگین سرانه سرمایه فیزیکی کارگران</p> <p>اقتصاد</p>
۲	<p>۱- هزینه شروع کسب و کار ۲- سرورهای اینترنتی ایمن ۳- هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&amp;D) ۴- بهیهای باند اینترنت ۵- توسعه نامتوازن اقتصادی ۶- تلفن‌های همراه به ازاء هر خاتوار ۷- صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات ۸- هزینه‌های حق امتیاز و صدور مجوز ۹- وضعیت کارآفرینی ۱۰- تلفن‌های همراه در هر ۱۰۰ نفر</p> <p>کارآفرینی و فرصت</p>
۳	<p>۱- ثبات حکومت ۲- کارآمدی دولت ۳- حاکمیت قانون ۴- تحکیم قوا ۵- کارایی قوانین و مقررات ۶- حقوق سیاسی ۷- محدودیت‌های سیاسی ۸- نوع دولت (دموکراتیک یا استبدادی) ۹- اقدامات در راستای فقرزدایی ۱۰- اعتماد و صحت انتخابات ۱۱- اعتماد به ارتش ۱۲- اعتماد به سیستم قضایی و دادخواهی ۱۳- حفاظت از محیط‌زیست ۱۴- اعتماد به حکومت ملی ۱۵- فساد دولت و بنگاهها ۱۶- بیان نظرات به مقامات رسمی</p> <p>حکمرانی</p>
۴	<p>۱- میزان کل ثبت‌نام در دوره متوسطه ۲- نسبت دانش‌آموزان به معلمان ۳- میزان خالص ثبت‌نام دوره ابتدایی ۴- نسبت ثبت‌نام دختران به پسران ۵- میزان کل ثبت‌نام دانشگاهی ۶- رضایت از سیستم آموزشی ۷- میانگین تحصیلات متوسطه در نیروی کار ۸- میانگین تحصیلات دانشگاهی در نیروی کار ۹- فرصت تحصیل و آموزش برای کودکان</p> <p>آموزش</p>
۵	<p>۱- نرخ مرگ و میر نوزادان ۲- طول عمر ۳- نرخ مصونیت در برابر بیماری‌های واگیردار ۴- شیوع وبا ۵- سوء تغذیه ۶- میزان سرانه هزینه‌های بهداشت ۸- رضایت از وضعیت بهداشت و سلامت ۹- سطح استرس ۱۰- رضایت از شرایط فیزیکی و زیبایی زیست‌محیطی ۱۱- تعداد تخت‌های بیمارستان ۱۲- کیفیت آب ۱۳- وضعیت بهداشت و سلامت ۱۴- میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های تنفسی ۱۵- مشکلات سلامتی و بهداشتی ۱۶- نرخ مصونیت در برابر سرخک ۱۷- طول عمر (با احتساب سلامت)</p> <p>بهداشت</p>
۶	<p>۱- جنگ‌های داخلی ۲- حمله و تجاوز ۳- بی‌ثباتی جمعیتی ۴- بیان نظرات سیاسی بدون ترس ۵- ظلم و بی‌عدالتی‌های جمعی ۶- میان‌دندان و آوارگان ۷- مهاجرت نخبگان و مخالفان سیاسی ۸- خشونت سیاسی از سوی دولت ۹- دزدی ۱۰- سیه‌روی امن در شب</p> <p>ایمنی و امنیت</p>
۷	<p>۱- میزان اعتمادکردن به دیگران ۲- قابلیت اعتماد به دیگران ۳- وضعیت تأهل ۴- لهدا و بخشش ۵- کمک به غریبه‌ها ۶- حضور در مراسم مذهبی ۷- فعالیت‌های داوطلبانه</p> <p>سرمایه اجتماعی</p>

## ۳- فرایند کنترل

فرایند کنترل از دیدگاه اندیشمندان مدیریت، به روش‌های مختلفی تبیین شده است. یکی از آن‌ها عبارت است از فرآیند سه مرحله‌ای تعیین موضوع ارزیابی،

تعیین استانداردها و معیارهای ارزیابی، ارزیابی عملکرد واقعی، مقایسه عملکرد و واقعی با

استانداردها و انجام اقدامات اصلاحی در صورت لزوم و یا چهار مرحله تعیین روش استاندارد برای سنجش عملکرد، تطبیق عملکرد با استاندارد و انجام اقدامات اصلاحی (پیرس و رایبسون، ۱۳۸۹). در تمام این فرایندها از دیدگاه های مختلف به نظرات یکسانی می‌رسیم، بنابراین می‌توان فرایند کنترل را به‌طور کلی مطابق نمودار (۱) ترسیم نمود:



نمودار (۱) فرایند کنترل (منبع: پیرس و رایبسون ۲۰۰۹، ص ۴۴)

بنا به الگوی پنج مرحله‌ای بالا، فرایند کنترل از مسأله‌یابی برای کنترل آغاز می‌شود. در این مرحله مدیران ارشد و مدیران عملیاتی باید آن دسته از فرایندهای اجرا و نتایج را که می‌خواهند کنترل و ارزیابی کنند مشخص نمایند. در مرحله دوم، استانداردها و معیارهای ارزیابی وضع موجود با وضع مطلوب انتخاب می‌شود. این استانداردها شرح دقیق و مفصل اهداف استراتژیک هستند. در مرحله سوم، ارزیابی عملکرد ابتدایی (در زمان مناسب) انجام می‌شود. به نظر می‌رسد ارزیابی عملکرد همزمان باید با اجرای فرایند انجام گیرد. در مرحله چهارم، این پرسش طرح می‌شود که آیا عملکرد با استانداردهایی که برای تبیین وضع مطلوب طراحی شده، رابطه متناظر دارد؟ اگر پاسخ مثبت بود، کنترل پایان می‌پذیرد، چون انحراف از برنامه پیش‌بینی شده رخ نداده است. در مرحله پایانی، چنانچه پاسخ همخوانی عملکرد با پیش‌بینی انجام شده، منفی باشد، انحراف از برنامه تأیید



می‌شود. بنابراین باید جهت کاهش و حذف نقاط ضعف و تبدیل تهدیدها به فرصت، ضمن تقویت نقاط قوت، به انجام اقدامات اصلاحی پرداخته شود. از جمله اقداماتی که می‌توان برای اصلاح انحرافات انجام داد، اتخاذ تدابیری برای تغییر در ساختار، استراتژی، برنامه‌های آموزشی و یا جایگزینی کارکنان است که به حسب مورد می‌توان دست به اقدام فوری برای اصلاح زد و یا باطمینان، به انجام اقدامات اساسی برای اصلاح انحرافات پرداخت.

## ۲-۴) پیشگیری از جرم:

با توجه به ماهیت قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یک جرم، در راستای بررسی مؤلفه‌های کنترل قاچاق کالا و ارز، در این قسمت مبانی نظری پیشگیری از جرم را مرور می‌نماییم. قدیمی‌ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری کودکان و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک، در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار که شخصیت آنها در حال شکل‌گیری است باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده کرد؛ در حالی که در مورد بزهکاران بزرگسال می‌توان از ارعاب و تهدید به مجازات استفاده شود؛ زیرا شخصیت آنها شکل گرفته است. در زمینه دسته‌بندی پیشگیری از بزهکاری، گونه‌های متعددی از سوی جرم‌شناسان مطرح شده است. به‌طور مثال، شماری از جرم‌شناسان با الهام از دانش پزشکی، الگوی سه‌گانه پیشگیری از بزهکاری یعنی: نخستین، دومین و سومین را بیان کرده‌اند و برخی دیگر تقسیم‌بندی پیشگیری از بزهکاری را به دو گونه کنشی و واکنشی ارائه نموده‌اند که امروزه تقسیم‌بندی اخیر بیشتر مدنظر جرم‌شناسان است. در یک تقسیم‌بندی نیز پیشگیری را بر اساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه دسته‌بندی می‌کنند که شامل پیشگیری تنبیهی، پیشگیری اصلاحی، پیشگیری مکانیکی و پیشگیری علی است. این متنوع بودن روش‌های پیشگیری بیانگر آن است که بزهکاری از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیسی خارج شده و مقابله مؤثر با آن از یک سو همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در استراتژی‌ها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷).

اگرچه بیش از ۱۷ نوع پیشگیری از جرم ذکر شده، در ادامه به مرور اصلی‌ترین تعاریف مبنایی که در زمینه‌ی کنترل قاچاق می‌تواند مؤثر واقع شود می‌پردازیم.

**پیشگیری اولیه یا نخستین<sup>۳</sup>:** یعنی مصون کردن افراد از رهگذر مبارزه با همه زمینه‌های ارتکاب جرم که در چارچوب توسعه اجتماعی قرار می‌گیرند. در این مرحله از پیشگیری، تلاش بر این است که افراد جامعه به سوی ارتکاب جرم گرایش پیدا نکنند. هدف در این سطح از پیشگیری، بهبود شرایط زندگی به منظور عدم مجرم شدن افراد و همچنین تولید ارزش‌هایی است که روابط سالم را بهبود بخشد. این رویکرد به نظریه شیوه زندگی هیندل لانگ نیز ارتباط داده شده است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

**پیشگیری کوتاه‌مدت یا خُرد<sup>۴</sup>:** به مجموعه راه‌کارهایی اطلاق می‌شود که در مدت زمان کمتری انجام می‌شوند تا فرصت‌های وقوع انحراف یا جرم را کاهش دهد مانند: فراهم کردن روشنایی بیشتر خیابان‌ها، کوچه‌ها و اماکن عمومی، تدوین قوانین جزایی متناسب و بازدارنده، ایجاد مؤسسات مددکاری، فراهم کردن فضاهای مناسب برای گذراندن اوقات فراغت، حمایت از کودکانی که مورد اذیت و آزار و بدرفتاری خانواده قرار می‌گیرند، بستن محله‌ها و اماکن جرم‌زا، ممانعت از پخش برنامه‌های خشونت‌زا در تلویزیون و مجهز کردن پلیس و نیروهای انتظامی (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳).

**پیشگیری اجتماعی<sup>۵</sup>:** «پیشگیری اجتماعی یا فردمدار» شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آن‌ها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است. یکی از اهداف این نوع پیشگیری، کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است؛ و اصولاً برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری

<sup>۳</sup> Primary Prevention

<sup>۴</sup> Short Term Prevention

<sup>۵</sup> Social Prevention

در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می‌کند، طراحی شده است. تأسیس مکان‌های تفریحی و پارک‌ها برای تفریح، تأسیس مراکز آموزشی، پرورشی، فرهنگی، ایجاد درآمدزایی و اشتغال‌زایی در محله‌ها، تقویت باورهای دینی از طریق فعال کردن مؤثر و مناسب مراکز مذهبی محلی، تشکیل پلیس محلی (عباچی، ۱۳۸۳)، گسترش تجهیزات و تدابیری چون باشگاه‌های ورزشی جوانان و پروژه‌های مبتنی بر فعالیت‌ها در جهت منصرف کردن مجرمان بالفعل و بالقوه از خطاهای آینده از مصادیق این نوع پیشگیری است. پیشگیری اجتماعی از طریق: آموزش، ترغیب، تربیت و تنبیه درصدد آن است تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القاء کند و قدرت ارزش‌یابی عملکرد خویش را به او بدهد و از طریق شناخت علل ارتکاب جرم و برطرف کردن آن‌ها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی مثل ارتقاء ارزش‌ها و تقویت نهادهای اجتماعی و تعالی فرصت‌های اقتصادی، تحصیلی، تفریحی، مسکن و غیره می‌توان از تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی به دنبال هم‌نوا کردن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است. آنچه دست اندرکاران این نوع پیشگیری باید انجام دهند، بیرون بردن هرچه بیشتر افراد از نظام کیفری است. پیشگیری اجتماعی تلاشی برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه‌های جرم است و تدابیری را دربر می‌گیرد که بر زمینه‌های ارتکاب جرم از رهگذر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثرند. به همین سبب، پیشگیری اجتماعی بهترین توصیف از پیشگیری نخستین به شمار می‌رود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳).

**پیشگیری بلند مدت یا کلان<sup>۶</sup>:** به ساز و کارهایی گفته می‌شود که در یک فرآیند زمانی مدت‌دار انجام می‌شود تا در آینده فرصت‌های وقوع جرم را کاهش دهد. مانند فراهم کردن بسترهای مناسب برای دسترسی افراد به موقعیت‌های مناسب آموزش و پرورش، تدوین و اجرای سیاست‌های کلی برای ایجاد اشتغال اعضای جامعه، تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده برای بالا بردن مهارت‌های زندگی، ارتقای محتوا و کیفیت

<sup>۶</sup> High Term Prevention

برنامه‌های آموزشی و تربیتی، تلاش برای کاهش شکاف اقتصادی در بین اقشار مختلف جامعه و دستیابی به عدالت اجتماعی (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

**پیشگیری واکنشی یا کیفری<sup>۷</sup>**: ناظر به اقدام کیفری قبل و بعد از وقوع جرم است که با بهره گرفتن از سازوکارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش نرخ بزهکاری است. رهیافت پیشگیری واکنشی، ارباب انگیزی فردی، جمعی و عبرت‌آموزی است تا از بزهکاری نخستین و بزهکاری دوباره افراد جلوگیری کند. پیشگیری واکنشی که از نظر مانوی اقدامی پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌شود. این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام» و «پیشگیری واکنشی خاص» تقسیم می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۳) و اگرچه به تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی و امنیتی جامعه نیست، اما با ادغام در زمینه‌های پیشگیرانه غیرکیفری از جرم و استفاده از هر دو عنصر در کنار هم می‌توان عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در اجتماع را فراهم کرد. پیشگیری کیفری از این جهت که دارای مضرات و معایب بسیاری است و برجسم و روان مجرمان تأثیرگذار بوده و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات مواجه می‌کند، باید به عنوان آخرین چاره علیه بزهکاری مورد استفاده قرارگیرد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳).

\* **پیشگیری وضعی<sup>۸</sup>**: پیشگیری وضعی دربرگیرنده مجموعه اقدامات و تدابیر غیرکیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش‌جناپی، از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند. راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزهکاران و بخشی نیز بر حفاظت از بزه‌دیدگان تمرکز یافته است (میر خلیلی، ۱۳۸۷). این روش، شیوه‌ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی و یا تغییر شرایط محیطی مانند زمان و مکان در صدد است از ارتکاب جرم

<sup>۷</sup> Penal Prevention

<sup>۸</sup> Situational Prevention

توسط فرد مصمم به انجام جرم جلوگیری کند. در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از مکان و زمان، امکان تحقق جرم سلب یا وقوع آن دشوارتر می‌شود. پیشگیری وضعی شامل مواردی از این دست می‌شود: از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند نصب دوربین‌های مدار بسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مثل تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب‌ناپذیر بوده و یا رفع آن‌ها هزینه‌های غیر قابل‌تحملی را تحمیل می‌کند. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزه‌کار، نوع جرم، اهداف و موضوع‌های جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرآیند آن‌ها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. در این روش، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آن‌ها، به دنبال خنثی‌سازی عملیات مجرمانه است که در واقع این قبیل اقدامات مکمل کار پلیسی به شمار می‌آید. پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی گویند که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

### ۳. مطالعات پیشین:

اگرچه پژوهشی که به‌طور مستقیم به ارائه مدل کنترل قاچاق از منظر رفاه اجتماعی بپردازد در مطالعات گذشته دیده نشد، لیکن برخی از پژوهش‌های مرتبط در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است:

سیف (۱۳۸۷)، در کتاب قاچاق کالا در ایران، ضمن بررسی علل و عوامل و آسیب‌شناسی قاچاق، راه‌کارهای بلندمدت و ساختاری در ۱۸ گروه شامل شناخت مزیت‌ها و افزایش رقابت‌پذیری کالاهای تولید داخل، توسعه فرایندهای تولیدی جدید، تشویق صنایع کوچک و متوسط کاربر غیردولتی، تحقیق و توسعه، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، جذب سرمایه‌گذاران خارجی، فناوری اطلاعات، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، آزادسازی تجاری، شفاف‌سازی قیمت‌ها و تغییر روش

در پرداخت یارانه‌ها، مشارکت فعال‌تر در منطقه‌گرایی، حذف انحصارها و فراهم‌آوردن محیط رقابت، ایجاد اشتغال، سیاست‌های کلان اقتصادی دولت، توجه و نظارت بر فعالیت مناطق آزاد تجاری و بازارچه‌های مرزی، توجه به اصلاح روش‌های تجارت و حمل و نقل کالا و اولویت‌دادن به ایجاد اشتغال در مناطق مرزی و راه‌کارهای کوتاه مدت و میان مدت حل معضل قاچاق در ۶ گروه شامل راه‌کارهای مرتبط با قوانین تجاری، مقررات بازرگانی، امور گمرکی، امور انتظامی، امور قضایی و سایر راه‌کارها (اجرای طرح‌های تخصصی و ...) ارائه شده است.

«نابرابری در فرصت‌های اشتغال و درآمد مهم‌ترین عاملی است که پیامدهایی چون فقر، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد» (ماکارو، ۱۳۷۸، ص ۱۰). «بنابراین با

کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری، افراد حاضرند دست به هرکاری بزنند و بهترین فرصت شغلی در مناطق مرزی چیزی جز قاچاق نیست» (زاهدی اصل، ۱۳۸۱، ص ۶).

جوادی و همکاران (۱۳۹۱) به مقایسه اهمیت نسبی عوامل قاچاق کالا در ایران و امارات متحده عربی با رویکرد AHP پرداخته‌اند که در نتیجه معیار اقتصادی با دارا بودن وزنی معادل ۰/۴۵۴ مهم‌ترین معیار مؤثر و پس از آن معیارهای اجتماعی - فرهنگی با ۰/۲۰۶، معیارهای اجرایی - مقرراتی با ۰/۱۹۹ و معیارهای سیاسی - امنیتی با وزن ۰/۱۴۱ دارای اهمیت هستند.

دریانورد (۱۳۹۵) در پژوهش "خرده فرهنگ قاچاق کالا در شهرهای مرزی ایران؛ علل و عناصر" به بررسی علت‌های جرم قاچاق کالا در شهرهای مرزی ایران و در پرتو نظریه خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه، طرح یک نظریه خرده‌فرهنگی جامع درباره جرم قاچاق کالا و ارائه و معرفی عناصر و فرضیه‌های این نظریه می‌پردازد. نظریه‌های خرده فرهنگ شامل چهار عنصر و مؤلفه اساسی است: ۱- پایگاه اقتصادی اجتماعی؛ ۲- محرومیت نسبی؛ ۳- عملکرد نهادهای جامعه‌پذیری و ۴- یادگیری (جرم). در این تحقیق علت‌شناسی جرم قاچاق کالا در ایران با در نظر داشتن چهار مؤلفه یاد شده، تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق ما را

به گزینش یک نگرش خرده‌فرهنگی در علت‌شناسی و مقابله با قاچاق کالا رهنمون می‌سازد. خرده‌فرهنگی که به دلیل وجود بی‌عدالتی‌ها، محرومیت‌ها و تبعیض‌ها (ساختارها) شکل گرفته اما پایداری و استمرار آن در گرو ادغام‌های گروهی و معاشرت‌های افتراقی افراد (فرآیندها) است.

ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اقدامات پیشگیرانه در مبارزه با قاچاق کالاهای دخانی ورودی به استان کرمان» نشان داده‌اند اقدامات پیشگیرانه (اجتماعی، وضعی و کیفری) در مبارزه با قاچاق کالاهای دخانی ورودی به استان کرمان مؤثر بوده و اولویت اقدامات پیشگیرانه در مبارزه با قاچاق کالاهای دخانی ورودی به استان کرمان به ترتیب اقدامات پیشگیرانه اجتماعی، کیفری و وضعی است.

بیرانوند و اجاقی (۱۳۹۸) در پژوهش «چگونگی پیشگیری از قاچاق دارو»، روش‌های پیشگیری از قاچاق را به شکل پیشگیری‌های کیفری (سرکوبی و اجرای مجازات) و پیشگیری‌های غیرکیفری (پیشگیری‌های اجتماعی و پیشگیری‌های وضعی) دسته‌بندی نموده‌اند و در ادامه ذکر نموده‌اند جرم قاچاق به دلیل قدمت زیاد و عواید بسیار زیاد ناشی از آن، در اعماق جوامع ریشه دوانیده و بیش از آنکه مجازات‌ها راه درمان باشد، برای ریشه‌کن کردن این جرم نیاز به برنامه‌های قوی، حساب‌شده و هدفمند برای پیشگیری است. برای پیشگیری از قاچاق کالا بطور کلی و قاچاق داروهای تقلبی بطور اخص، می‌توان روش‌هایی از جمله؛ طرح مالیات بر ارزش افزوده در جلوگیری از مفاسد اقتصادی و قاچاق کالا، اعمال هدفمند، برنامه‌ریزی شده و محدود نرخ حقوق و عوارض گمرکی، بازنگری در سیاست ایجاد بازارچه‌های مرزی بعنوان مفری برای قاچاق کالاهای تجاری و تجدیدنظر در سیاست ایجاد اشتغال و درآمد مناطق مرزی را مورد توجه قرار داد.

نسترن و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثرات اشتغال غیررسمی بر پایداری اجتماعی نمونه موردی شهر بانه» راهکارهایی جهت کاهش اثرات منفی تجارت غیررسمی بر شهر بانه و محدوده تمرکز فعالیت‌ها ارائه داده که

از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به جلوگیری از قاچاق کالا، سرمایه‌گذاری در سایر پتانسیل‌های شهر، ایجاد اشتغال و تدوین قوانین جهت جلوگیری از ساخت مجتمع‌های تجاری و تمرکز فعالیت‌ها در مرکز شهر بانه اشاره کرد.

دالوند و شریفی (۱۳۹۷) در پژوهش «راهکارهای پیشگیری اجتماعی از قاچاق لوازم خانگی (مطالعه موردی شهرستان بندرعباس سال ۹۵)» سعی نموده‌اند راهکارهای پیشگیری اجتماعی مؤثر بر قاچاق لوازم خانگی در شهر بندرعباس بررسی و در پایان نتیجه‌گیری شده است در راستای تکنیک توانمندسازی فردی و اجتماعی، ایجاد عزم ملی و تقویت باورهای دولتمردان برای جدیت در مقابله با فساد بیشترین تأثیر و در راستای تکنیک مدیریت نیازها، اصلاح فرآیند و تسهیل استخدام بومیان و بهبود سطح زندگی کارکنان مبادی رسمی کمترین تأثیر را در پیشگیری اجتماعی از قاچاق لوازم خانگی دارند.

صادقی و دهقان (۱۳۹۵) به مطالعه قاچاق کالا و ارتباط آن با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق مرزی (نمونه موردی: شهرستان میناب) پرداخته‌اند که نتایج تحقیق بیانگر ارتباط معنادار بین اشتغال و بیکاری، فقر، محرومیت منطقه و سطح تحصیلات با ارتکاب به قاچاق کالا است. یعنی هرچه نرخ بیکاری بالاتر، وضعیت فقر بدتر و به طور کلی محرومیت منطقه بیشتر زمینه ارتکاب به قاچاق در این منطقه بیشتر می‌شود و بسیاری از قاچاقچیان کالا از روی فشار اقتصادی و بیکاری مجبور به این کار شده‌اند و رنج و خطر آن را به جان خریده‌اند. یکی از پیامدهای قاچاق برای این افراد تنزل جایگاه اجتماعی آن‌ها بین مردم است. مهم‌ترین راهکارهای اساسی ریشه‌کنی پدیده قاچاق به‌ویژه قاچاق کالا در این شهرستان محرومیت‌زدایی از طریق ایجاد فرصت‌های اشتغال پایدار و مبارزه با فقر است.

طبق نتایج پژوهش جوان و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «سنجش میزان پایداری امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: روستاهای مرزی هیرمند)»، در تمامی شاخص‌های مطرح شده به جز شاخص‌های دسترسی به مراکز آموزشی، دسترسی به مراکز بهداشتی، فرصت پیشرفت، رضایت از عملکرد نهادها،



رضایت از امکانات تفریحی و رضایتمندی از منظر روستا میانگین به دست آمده پایین‌تر از حد میانه است به این معنا که میزان پایداری اجتماعی سکونتگاه‌های مرزی کم است و تنها در شاخص‌های سلامتی محیط، رضایت از زندگی در روستا و فقدان بیماری‌های عفونی میزان پایداری زیاد است. در بین اقدامات موردنظر نبود حمل موادمخدر و سایر کالاهای غیرمجاز از مرزهای غیرمجاز با میانگین ۰/۵۹۱، کاهش قاچاقچیان کالا در جهت فقدان تبعیض و نابرابری گروه‌های اجتماعی با میانگین ۰/۲۷۸، تردد اشخاص از دروازه‌های رسمی و غیررسمی مطابق با آیین‌نامه‌ها با میانگین ۰/۰۸۳، برهم نخوردن آرامش مرزی و فقدان درگیری‌ها و اختلافات مرزی با میانگین ۰/۰۴۸ بالاترین و پایین‌ترین وزن‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

طبق پژوهش صحتی‌ها و ذوالقدر (۱۳۹۳) تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق کالا (مطالعه موردی استان زنجان)»، متغیرهای اصلی تأثیرگذار در افزایش قاچاق کالا، بی‌سازمانی اجتماعی (در سه سطح فردی، خانواده و جامعه)،

محیط آلوده زندگی، وضعیت اقتصادی، وضعیت خانواده، ناکامی، یادگیری اجتماعی و گروه همسالان است. البته با توجه به نتایج مصاحبه دلیل اصلی قاچاق کالا توسط افراد مورد مصاحبه این تحقیق زنجیره فقر، بیکاری و نیاز است.

در پژوهش‌های انجام شده سایر کشورها، توجه معطوف بر رفاه اقتصادی بوده است. برای نمونه متیویر و بوئت (۲۰۱۸) یک مدل نظری در خصوص تجارت غیرقانونی و اثر قاچاق بر رفاه اقتصادی را ارائه می‌دهند و یا لاولی و نلسون (۱۹۹۵) در پژوهشی تحت عنوان قاچاق و رفاه در اقتصاد ریکاردو-وینر، عنوان می‌دارند اگر منافع کاهش تحریف قیمت داخلی بیش از هزینه منابع قاچاق باشد، قاچاق موجب بهبود رفاه خواهد شد و از سوی دیگر در صورت صرف منابع اضافی به فعالیت‌هایی که به منظور کاهش آن انجام می‌شود، تقویت فعالیت ضدقاچاق نیازی به بهبود رفاه ندارد. در ارتباط با رفاه اجتماعی، بهاگواتی و هانسسن (۱۹۷۱) عنوان داشته‌اند که

در حالت عدم همزمانی قاچاق و تجارت قانونی، قاچاق کالا به کاهش رفاه منجر می‌شود؛ البته تحت شرایط خاصی امکان افزایش رفاه نیز وجود دارد. این در حالی است که به هنگام وقوع توأمان تجارت قانونی و قاچاق، قاچاق لزوماً رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد.

### ۳. روش پژوهش:

پژوهش حاضر اکتشافی بوده و از طریق مصاحبه نیم‌ساخت یافته با ۱۲ نفر از خبرگان این حوزه و با بهره‌گیری از نظریه داده بنیاد انجام و در پایان مدل مفهومی و نظریه متناسب با آن ارائه می‌شود.

تئوری بنیادی<sup>۹</sup> (که بانام‌های تئوری برخاسته از داده‌ها و تئوری زمینه‌ای نیز شناخته می‌شود) یک روش تحقیقی عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۶۷ توسط گلیر و اشتراوس به وجود آمد (گلیر و اشتراوس، ۱۹۹۰). این روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد به‌جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین تئوری و گزاره اقدام نماید. این تئوری‌ها و گزاره‌ها به شکلی نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی

تدوین می‌شود. هر تئوری و گزاره‌ای که بر اساس این روش تدوین می‌شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیان نهاده شده است. در واقع گراند تئوری روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که قبلاً در مورد آن‌ها تحقیق جامع و عمده‌ای نشده و یا دانش ما در آن زمینه محدود است. «گراند تئوری فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون است که از طریق گردآوری سازمان یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها انجام می‌گیرد. این روش برای پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که دارای مبنای نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون نیستند، به کار گرفته می‌شود. گردآوری داده و تولید دانش در روش گراند تئوری، به اجرای سه مرحله کدگذاری باز،

<sup>۹</sup> Grounded Theory

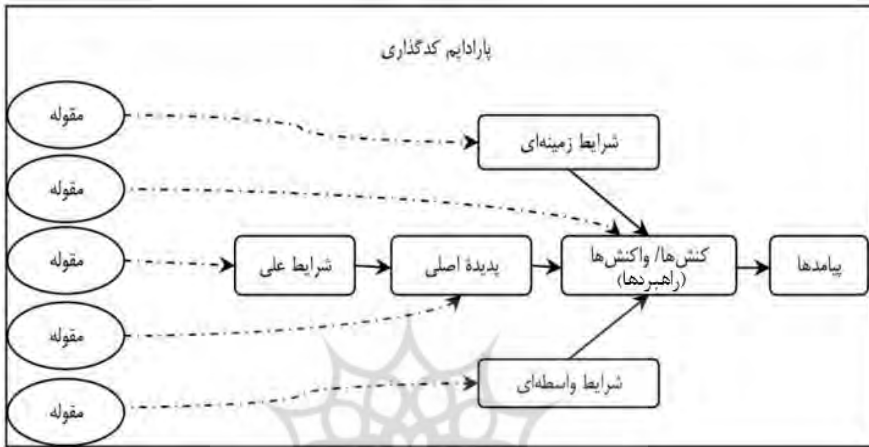
کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی وابسته است». محققینی که از تئوری داده بنیاد استفاده می‌کنند، دست به آزمایش یا اعتبارسنجی هیچ فرضیه از پیش تعیین شده‌ای نمی‌زنند. تئوری داده بنیاد روشی است برای توسعه نظریه‌های جدید بر اساس انجام تحلیل روی داده‌های جمع‌آوری شده به‌طور سامانمند. در این روش، محقق به‌جای داشتن فرضیه‌هایی برای آزمایش، سؤالات تحقیقی دارد که به دنبال پاسخگویی به آن‌هاست (منصوریان، ۲۰۰۶).

از طریق روش گراند تئوری، با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد که در سطح وسیع، فرایند، عمل یا تعامل را تبیین می‌کند. در این روش، پژوهش را هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کنند که بعد آن را به اثبات برسانند؛ بلکه پژوهش از یک دوره مطالعاتی شروع و فرصت داده می‌شود آنچه به آن مربوط است، خود را نشان دهد (بازرگان، ۱۳۸۸). در واقع الگو به‌طور مستقیم از درون داده‌ها استخراج می‌شود و از بررسی ادبیات آشکار نمی‌شود؛ به عبارت دیگر چون این راهبرد نوعی پژوهش کیفی است، مسئله پژوهش دقیقاً در قالب متغیرهای مستقل و وابسته بیان نمی‌شود؛ بلکه فقط سؤال یا سؤالات اصلی پژوهش مطرح می‌شود (منتظری، ۱۳۹۵). محورهای کلیدی در این راهبرد، شناسه‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها، اعم از فرعی و اصلی است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴) که توالی شکل‌گیری آن‌ها در نمودارهای (۲) و (۳)



نمودار ۲- مسیر تکامل نظریه در راهبرد مفهوم‌سازی نظریه داده‌بنیاد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴، ص ۶۰) ارائه شده است. هدف پژوهشگر انتخاب مواردی است که با توجه به هدف پژوهش، سرشار از اطلاعات باشد و پژوهشگر را در شکل‌دادن الگوی نظری یاری دهد و این کار تا جایی ادامه می‌یابد که طبقه‌بندی مربوط به داده‌ها و اطلاعات

اشباع و نظریه مورد نظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شود (محبزادگان و همکاران، ۱۳۹۲).



نمودار ۳- مدل گلنیزر و اشتراوس (۱۹۶۷)

با توجه به شرایط مسئله پژوهش و فقدان مطالعه جامع مستند در این زمینه، روش گراند تئوری برای انجام پژوهش انتخاب شد. جامعه آماری بر اساس قلمرو موضوعی آن از میان خبرگان پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز بوده که با توجه به کیفی بودن پژوهش از طریق روش نمونه‌گیری نظری (روش‌های نمونه‌گیری هدفمند) انتخاب شدند (کرسول، ۲۰۰۷).

نمونه‌گیری نظری نوعی نمونه‌گیری هدفمند است که پژوهشگر را در خلال کشف نظریه یا مفاهیمی یاری می‌کند که ارتباط نظری آن‌ها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده است. در واقع زمانی که همه افراد مورد مطالعه کسانی هستند که باید پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده باشند، می‌توان از نمونه‌گیری معیار استفاده کرد. در این مورد، اشتراوس و کوربین به نمونه‌گیری نظری اشاره می‌کنند (همان منبع). راهنمای نمونه‌گیری نظری، پرسش‌ها و مقایسه‌هایی است که در خلال تجزیه و

تحلیل مفاد مصاحبه‌ها با افراد، آشکار و موجب کشف مقوله‌های مناسب، ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها می‌شود. به این معنی که برخلاف نمونه‌گیری در بررسی‌های کمی، نمونه‌گیری نظری نمی‌تواند قبل از آغاز مطالعه و تدوین نظریه بنیادی برنامه‌ریزی

شود و تصمیم‌ها در زمینه نمونه‌گیری در خلال فرایند پژوهش شکل می‌گیرد (منتظری، ۱۳۹۰). نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه می‌یابد (رازینی و عزیزی، ۱۳۹۴). اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نمی‌آید؛ مقوله گستره مناسبی می‌یابد و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید می‌شود (طاهری و همکاران، ۱۳۹۲).

در این مطالعه با ۱۲ نفر مصاحبه شد که از مصاحبه دهم به بعد در اطلاعات دریافتی تکرار مشاهده شد؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه دوازدهم ادامه یافت. با رعایت موارد اخلاقی، اطمینان‌بخشی به مشارکت‌کنندگان در نگهداری مفاد مصاحبه و ویژگی مشارکت‌کنندگان و انتشار ندادن آن، با رضایت ایشان مصاحبه‌ها ضبط و برای استخراج نکات کلیدی بررسی شد.

پژوهش حاضر از حیث ارائه مدل بومی ارتباط بین رفاه اجتماعی و کنترل قاچاق از طریق نظریه داده بنیاد برای اولین بار در کشور انجام شده که مراحل آن به این شرح است:

۱- مصاحبه نیم ساخت یافته با ۱۲ نفر از خبرگان پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز

۲- استخراج مدل (مقوله‌ها، مفاهیم و روابط آن‌ها) از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی

۳- بهره‌گیری از روش دلفی و تنظیم ۲ مرحله پرسشنامه به منظور حصول پایداری در پاسخ‌ها

انتظار می‌رود مدل مفهومی ارتباط مفاهیم، برای بهره‌برداری متخصصین امور کنترل قاچاق کالا و ارز ارائه و به‌عنوان سکویی برای محدودسازی قاچاق از نگاه فهم روابط و تصمیم‌گیری عملیاتی متناسب با مدل دنبال شود.

#### ۴. یافته‌های تحقیق:

داده‌ها از طریق فرایند شناسه‌گذاری و مبتنی بر طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد مورد تحلیل قرار گرفت. پژوهشگر همزمان با گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها را نیز شروع می‌کند، در واقع این فرایندی «رفت و برگشتی» است؛ رفتن به میدان برای گردآوری اطلاعات، بازگشتن به دفتر کار برای تحلیل داده‌ها، مراجعه دوباره به میدان برای گردآوری اطلاعات بیشتر، بازگشت به دفتر کار و به همین ترتیب. نظریه داده‌بنیاد روشی را برای تدوین طبقات اطلاعاتی (شناسه‌گذاری باز)، مرتبط ساختن این طبقات (شناسه‌گذاری محوری) و ارائه «روایتی» که این طبقات را به هم پیوند می‌دهد (شناسه‌گذاری گزینشی) و در انتها مجموعه‌ای از گزاره‌های نظری ارائه می‌کند (کرسول ۲۰۰۷).

در مرحله شناسه‌گذاری باز، مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی شد. سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و ویژگی‌های مشترک بین شناسه‌های باز، مفاهیم و مقوله‌ها (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شد. سپس در مرحله شناسه‌گذاری محوری، داده‌ها در فرایندی پیوسته با هم مقایسه می‌شود تا پیوند بعد از شناسه‌گذاری باز بین مقوله‌ها مشخص شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴). در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، یک مقوله مرحله شناسه‌گذاری باز را انتخاب می‌کند و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی است (به عنوان «پدیده مرکزی») قرار می‌دهد؛ سپس

مقوله‌های دیگر را به آن ربط می‌دهد که عبارت است از: شرایط علی؛ شرایط مداخله‌گر؛ شرایط زمینه‌ای؛ راهبردها؛ پیامدها (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۹).

(۱) شرایط علی: شرایطی که عامل اصلی ایجاد پدیده مورد مطالعه است (محب‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۲).

(۲) شرایط مداخله‌گر: به‌منزله زمینه ساختاری وسیعتر مربوط به پدیده که در جهت آسان‌سازی یا محدودیت راهبردها عمل میکند (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵).

۳) شرایط زمینه‌ای: نشان‌دهنده خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده‌ها دلالت می‌کند؛ به عبارتی محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌ها در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده انجام می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵).

۴) راهبردها: به ارائه راه‌حلهایی برای رویارویی با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد که هدف آن اداره کردن پدیده مورد مطالعه، برخورد و حساسیت نشان دادن در برابر آن است (محب‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۲).

۵) پیامدها: نتایج راهبردهای انتخاب شده توسط مشارکت‌کنندگان مطالعه است که می‌تواند مثبت، منفی یا خنثی باشد (کرسول، ۲۰۰۷). در واقع، پیامدها نتیجه کنش و واکنش شرایطی است که در زمینه پدیده وجود دارد. در این پژوهش طبق تحلیل مصاحبه‌ها از بین مقوله‌ها، به‌طور نمونه برخی مقوله‌ها احصاء و در جدول (۲) ارائه شده است.

مرحله آخر در شناسه‌گذاری اطلاعات، شناسه‌گذاری انتخابی است. پژوهشگر پدیده محوری را اختیار می‌کند و به‌طور نظام‌مند آن را به طبقات دیگر مرتبط می‌سازد. در واقع، گروه‌ها تنها شرح و توصیفی از داده‌ها است و هنوز نظریه نیست. گروه‌های مختلف باید یکپارچه شود تا نظریه را شکل دهد (همان منبع). بر اساس تحلیل داده‌های کیفی، مرحله شناسه‌گذاری محوری تکمیل و خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها مشخص شد. در ادامه، یافته‌های مرحله اول پژوهش در قالب پرسشنامه

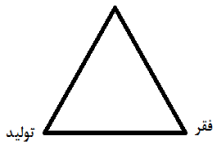
تنظیم شد و با بهره‌گیری از روش دلفی، طی ۲ مرحله پرسشنامه نهایی تنظیم و نظرسنجی از خبرگان انجام شد. نمودار (۴)، الگوی کیفی پژوهش را نشان می‌دهد که شامل ۱۱۴ مقوله فرعی و ۲۲ مقوله اصلی است.

## جدول ۱. استخراج مقوله‌های اصلی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	استخراج کد اولیه	قسمتی از متن مصاحبه
شرایط علی	فقرزدایی	۱۱	فقر، بیکاری، عدم شفافیت گردش کالا، پرداخت پارانہ از علل و ریشه‌های قاچاق است.
	کاهش نرخ بیکاری	۱۲	
	افزایش شفافیت	۱۳	
شرایط زمینهای	خلأهای مرزی	۱۴	خلأهای مرزی از جمله زمینهای شکل‌گیری قاچاق هستند
شرایط زمینهای	سامانه‌های قانونی	۱۵	سامانه‌های قانونی از جمله زمینهای کنترل قاچاق هستند
راہبرد	پیشگیری وضعی	۱۶	راہبردها می‌توان به پیشگیری وضعی (Situational Prevention) اشاره نمود.
			پیشگیری وضعی اگرچه موضوع را به طور ریشه ای حل نمی‌کند اما فضا را منظم‌تر می‌کند
			به نظر نباید حل مسائل کوچک را به بزرگ گره زد و از این رو، رویکرد پیشگیری وضعی عملیاتی تر است
شرایط علی	شفافیت	۱۷	در پیشگیری وضعی به دنبال افزایش شفافیت هستیم
راہبردها	فرهنگسازی	۱۸	با اصلاح فرهنگ عمومی می‌توان مجموعه اقتصاد کشور را سامان داد اما این اقدام برای حل معضل بزرگتر یعنی معضل اقتصاد است که موفق به انجام آن نشده‌ایم.
شرایط زمینهای	گره خوردن مشکل کوچک (قاچاق) به بزرگ (مجموعه اقتصاد)	۱۹	با گره زدن مشکلات کوچک به مشکلات بزرگ نه تنها مشکلی حل نمی‌شود بلکه درجا می‌زنیم
راہبرد	پیشگیری کیفی	۱۱۰	نمی‌توان صبر کرد و با مجرم برخوردی نکرد تا فرهنگسازی اتفاق بیافتد
راہبرد	فرهنگسازی	۱۱۱	پیشگیری وضعی در بلند مدت نیز به سایرین آموزش می‌دهد مخاطرات دزدی بالاست و فرهنگسازی نیز



مقوله اصلی	مقوله فرعی	استخراج کد اولیه	قسمتی از متن مصاحبه
			اتفاق می افتد
شرایط زمینه‌ای	چندجنبه‌ای بودن قاچاق	۱۱۲	در پیامدها اولین سوال این است که قاچاق از چه جنبه‌ای حل شود؟ اگر از جنبه رفاه اجتماعی حل شود، برای نمونه اگر مشکل بیکاری تماما حل شود، در پاسخ باید گفت که باز هم مشکل قاچاق تماما حل نمی شود اگرچه کاهش می یابد
راهبرد	فرهنگسازی (منفعت‌جویی فردی)	۱۱۳	حتی با کنترل قاچاق از بعد رفاه اجتماعی، هنوز منفعت‌جویی فردی، خلأهای مرزی، مشکلات گمرکی، عدم شفافیت گردش کالا که جزو شاخص های رفاهی نیستند دخیل خواهند بود
شرایط زمینه‌ای	خلأهای مرزی	۱۴	
شرایط زمینه‌ای	مشکلات گمرکی	۱۱۴	
شرایط علی	شفافیت گردش کالا	۱۱۵	
راهبردها	پیشگیری از جرم (الگوهای مجرمانه)	۱۱۶	قاچاق فعالیت اقتصادی مجرمانه است لذا پیشنهاد می شود در این ظرف دیده شود و نظریه الگوهای مجرمانه مطالعه شود
راهبردها	پیشگیری از جرم	۱۱۷	به نظر می‌رسد می توان در این حوزه به نظریه سازی دست یافت به شرط آنکه خاستگاه جرم شناسی نیز چاشنی مطالعات شود
شرایط علی	تأمین نیاز کالا	۱۱۸	با تمرکز بر مؤلفه‌های مثلث فقر، تأمین نیاز کالایی از طریق قاچاق و تولید می‌توان به تحلیل فرایند کنترل قاچاق کالا و ارزش نائل شد که رأس این مثلث (تأمین نیاز کالایی از طریق قاچاق) است.



## نمودار ۲. الگوی فرایند کنترل قاچاق از منظر رفاة اجتماعی



## تجزیه و تحلیل:

اعتبارسنجی در نظریه پردازی داده بنیاد، بخشی فعال از فرایند پژوهش است؛ برای مثال، پژوهشگر در خلال روال مقایسه پیوسته در شناسه گذاری باز، بین داده ها و اطلاعات و مقوله های در حال ظهور، کثرت ایجاد می کند. مقایسه پیوسته به این اشاره دارد که پژوهشگر وقایع، رویدادها و فعالیت ها را شناسایی و پیوسته آن ها را با یک طبقه نوظهور مقایسه می کند؛ به این ترتیب آن طبقه را شکل می دهد و اشباع می شود؛ پژوهشگر پرسش هایی مطرح می کند که مقوله ها را ربط می دهد و سپس به بین داده ها به دنبال مدرک، پیشامد و وقایع می گردد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز برای اعتبارسنجی یافته ها در مرحله شناسه گذاری باز به روش مقایسه ای پیوسته به تطابق همگونی میان اطلاعات و مقوله ها پرداخته و در مرحله شناسه گذاری محوری بازبینی داده ها نسبت به مقوله ها انجام شد. از نظر کرسول پژوهشگران کیفی به منظور افزایش اعتبار پژوهش های خود باید در هر پژوهش حداقل از دو راهبرد استفاده کنند. به منظور اطمینان از روایی پژوهش اقدامات ذیل انجام شد:

۱- تطبیق توسط اعضا: پژوهشگر از دیدگاه مشارکت کنندگان برای برقرار ساختن اطمینان پذیری یافته ها و تفاسیر استفاده می کند (کرسول، ۲۰۰۷). در این پژوهش، سه نفر از مشارکت کنندگان (عرصه عمل)، گزارش نهایی مرحله نخست فرایند تحلیل مقوله ها را بازبینی کردند و پیشنهادهای آن ها در پارادایم شناسه گذاری اعمال شد.

۲- بررسی همکار: نوعی کنترل بیرونی بر فرایند پژوهش است. کرسول، این نقش را همانند نقش «منتقد مدافع» می داند؛ فردی که با پژوهشگر صادق است و سؤال های چالش برانگیزی در مورد روش ها، معانی و تفاسیر ارائه می کند (همان منبع). سه نفر از استادان دانشگاهی (عرصه علم)، نیز پارادایم شناسه گذاری را بررسی کردند و نظر آن ها نیز در تدوین الگو مورد استفاده قرار گرفت.

۳- کثرت گرایی: در این روش، پژوهشگران از مآخذ، روش ها، پژوهشگران و نظریه های چندگانه و متفاوت برای فراهم کردن شواهد تقویت کننده استفاده می کنند (همان منبع). کثرت گرایی در این پژوهش شامل تکثر مکانی و کثرت

مشارکتکنندگان در پژوهش است. تکثر مکانی به این معنی که مصاحبه با خبرگان نواحی مختلف انجام شد. تکثر مشارکت کنندگان نیز به این معنی است که با افراد سطوح مختلف سازمانی مصاحبه شد که درواقع مدیران ارشد، میانی و کارکنان هستند.

سنجش روایی پرسشنامه از طریق نسبت روایی محتوایی CVR<sup>۱</sup> سنجیده شد و با توجه به تعداد ۱۲ نفره اعضای پنل، پرسش‌های دارای حداقل مقدار قابل قبول (یعنی  $CVR = 0.56$ ) در پرسشنامه نهایی باقی ماندند و سایر پرسش‌ها حذف شدند.  $n_e$  تعداد اعضایی است که آن بعد یا سؤال را ضروری دانسته‌اند و  $n$  تعداد کل اعضای پنل است. شاخص روایی محتوایی مجموعه

$$CVR = \frac{n_e - n/2}{n/2}$$

پرسشنامه نیز از رابطه CVI محاسبه شد (لاوشی، ۱۹۷۵):

$$CVI = \frac{\sum CVR}{\text{retained numbers}} = \frac{88.67}{114} = 0.78$$

رابطه (۲): رابطه (۱):

در نهایت با حذف پرسش‌هایی که روایی محتوایی و پایایی را از استاندارد قابل قبول خارج می‌ساختند، پرسشنامه‌ای برای کنترل قاچاق طراحی شد که شاخص روایی محتوایی آن مقدار قابل قبول ۰/۷۸ است.

پایایی به سازگاری یافته‌های پژوهش اطلاق و در مراحل چون موقعیت مصاحبه، نسخه‌برداری و تحلیل مطرح می‌شود. در مورد پایایی مصاحبه‌شونده به چگونگی هدایت سؤالات اشاره می‌شود. در پایایی نسخه‌برداری نیز باید به پایایی درون موضوعی نسخه‌نویسی انجام‌شده هنگام حروف‌چینی متون توسط فرد توجه کرد. در طول مصاحبه‌ها نیز توجه به درصد‌های گزارش داده شده توسط دو نفر شناسه‌گذار، روش تعیین پایایی تحلیل است. میزان (درصد) توافق درون موضوعی

$$\text{دو شناسه‌گذار (۶۰ درصد یا بیشتر در مورد یک مصاحبه)} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100 = \text{درصد توافق درون موضوعی}$$

کنترل تحلیل نیز روش پایایی تحلیل است (کواله، ۱۹۹۶). در این پژوهش از پایایی

<sup>۱</sup> Content Validity Ratio

بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی استفاده شده است. رابطه (۳):

جدول ۳) پایایی بازآزمون

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	تعداد عدم توافق	پایایی بازآزمون
۱	۱	۱۸	۷	۳	٪۷۸
۲	۵	۳۷	۱۵	۴	٪۸۱
۳	۹	۴۶	۱۹	۶	٪۸۳
مجموع ۳ مصاحبه					٪۸۰

جدول ۴) پایایی دو کدگذار

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	تعداد عدم توافق	پایایی بازآزمون
۱	۲	۵۷	۲۱	۵	٪۷۴
۲	۶	۶۲	۲۷	۷	٪۸۷
۳	۱۰	۷۴	۳۲	۷	٪۸۶
مجموع ۳ مصاحبه					٪۸۳

با توجه به جداول (۳) و (۴) پایایی بازآزمون برابر ٪۸۰ و پایایی دو کدگذار برابر ٪۸۳ حاصل شد که بیشتر از ٪۶۰ است (کواله، ۱۹۹۶) و می‌توان ادعا کرد که مصاحبه از پایایی خوبی برخوردار است.

#### ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی:

هدف پژوهش در بخش کیفی، شناسایی عوامل کلیدی و عوامل مرتبط با کنترل قاچاق از منظر رفاه اجتماعی و با استفاده از نظریه داده بنیاد است که بر این اساس، یافته‌های پارادایمی مربوط به آن به شرح نمودار (۴) ارائه شد.

طبق مطالعات پیشین، زنجیره فقر، بیکاری و نیاز به عنوان مثلثی بود که به عنوان دلایل اصلی شکل‌گیری قاچاق مطرح شد (صحبتهای و ذوالقدر، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر نظریه‌ای در خصوص علل کنترل قاچاق شامل شاخص‌های اقتصادی، تجارت فرامرزی، حکمرانی مطلوب، ایمنی و امنیت و مدیریت منابع، همراه ۲۲ مقوله ذیل آن‌ها احصا شد که یافته‌های آن پژوهش نیز مؤید بخشی از این نتایج هستند.

پیچیدگی و چندوجهی بودن مسئله قاچاق و تفاوت ماهوی شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سایر کشورها باعث شده الگوبرداری از اقدامات سایر کشورها برای رسیدن به مدل بومی کنترل قاچاق در کشور مفید فایده واقع نشود. لاولی و نلسون (۱۹۹۵) در پژوهشی تحت عنوان قاچاق و رفاه در اقتصاد ریکاردو-وینر، عنوان می‌دارند اگر منافع کاهش تحریف قیمت داخلی بیش از هزینه منابع قاچاق باشد، قاچاق موجب بهبود رفاه خواهد شد و از سوی دیگر در صورت صرف منابع اضافی به فعالیت‌هایی که به منظور کاهش آن انجام می‌شود، تقویت فعالیت ضدقاچاق نیازی به بهبود رفاه ندارد همچنین در ارتباط با رفاه اجتماعی، بهاگواتی و هانسن (۱۹۷۱) عنوان داشته‌اند که در حالت عدم همزمانی قاچاق و تجارت قانونی، قاچاق کالا به کاهش رفاه منجر می‌شود؛ البته تحت شرایط خاصی امکان افزایش رفاه نیز وجود دارد، در حالی که به هنگام وقوع توأمان تجارت قانونی و قاچاق، قاچاق لزوماً رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد. در پژوهش حاضر اگرچه خبرگان بر این موضوع تأکید داشتند که در بلندمدت و در سطح کلان ملی، پیامدهای ذکر شده در الگوی ارائه شده واقع خواهد شد، لیکن با توجه به پیچیدگی‌های کشور و تفاوت فعالیت‌ها، نمی‌توان نسخه نتیجه واحدی در رابطه با نظریه‌های فوق ارائه نمود و نتیجه بسته به نگاه کوتاه‌مدت یا بلند مدت بخش‌های مختلف حاکمیت و یا تمرکز هر منطقه و بوم می‌تواند متفاوت باشد. در واقع قاچاق کالا برای کشورهای دیگر به این دلیل تهدید است که نظم اقتصادی موجود در آن کشور را بر هم می‌زند لیکن وضعیت کشورمان به نحوی است که در برخی موارد شاید از قاچاق بتوان به عنوان راه‌کار دور زدن تحریم‌های اقتصادی نام برد. پشتوانه این بیان، مؤلفه‌ای است که

تحت عنوان «پژوهش دوگانگی مسئله/تهدید قاچاق» در خلال پژوهش استخراج شد و البته اظهار نظر دقیق تر مستلزم انجام پژوهش های تکمیلی در این حوزه است. البته در خصوص پیامدهای کنترل قاچاق، ذکر این نکته ضروری است که مفهوم کنترل به معنی صفر شدن خطاها نیست. همانطور که ذکر شد، کنترل، فرایندی رفت و برگشتی است که طی آن ضمن بازخوردگیری، خطاهای سیستم به حداقل می رسد و حدود ۱۳ میلیارد دلار قاچاق کالا و ارز اگرچه به صفر نمی رسد لیکن انتظار می رود این رقم کاهش چشم گیری یابد و در مقیاس بودجه کل کشور به درصدی برسد و به حالتی از کنترل برسیم که موضوع قاچاق کالا و ارز برای کشور ما یک تهدید محسوب نشود. این رقم در مقایسه بودجه ۱۱۹۵۰۰۰ میلیارد تومانی سال ۹۶، با در نظر گرفتن بالاترین نرخ ارز اعلامی بانک مرکزی (۴۸۷۷ تومان)، معادل ۵٪ بودجه کل کشور بوده است که اندکی کمتر از ۱۴ میلیارد دلار در نظر گرفته شده برای واردات کالاهای اساسی در لایحه بودجه سال ۹۹ است، لذا با کنترل آن ضمن بازتعریف مفاهیم و رویکردها، در بلندمدت کمک قابل توجهی برای ارتقاء مجموعه تولید ملی، سرانه درآمد، رفاه پایدار ملی و منطقه ای و سایر پیامدهایی که ذکر شد، فراهم خواهد شد.

در راستای کنترل قاچاق کالا و ارز، دو گروه راهبردهای بلندمدت و کوتاه و میان مدت می توان در نظر گرفت. به نظر می رسد اگرچه راهبردهای بلندمدت نتایج عمیق تری خواهد داشت لیکن نمی توان صرفا به این موارد پرداخت و مانند بیماری که در شرایط سخت قرار گرفته است همزمان با تقویت بنیه و توان وی می بایست در کوتاه مدت نیز با عوامل بیماری زا مبارزه کرد و راهبردهای کوتاه و میان مدت را لحاظ نمود. همچنین به نظر می رسد نمی بایست حل مسائل کوچکتر را به حل مسائل بزرگتر گره زد. قاچاق کالا و ارز مسئله ای است که می توان آن را زیرمجموعه مسائل اقتصادی کشور دانست و شاید ابتدا به ذهن متبادر شود که با حل مشکلات کلان اقتصادی، مسئله قاچاق کالا و ارز نیز حل خواهد شد لیکن این رویکرد نیز در عمل امکان پذیر نبوده و با تفکیک مسائل بزرگ به چند مسئله کوچک و کاستن پیچیدگی ها می توان به نحو مطلوب تری با آن روبه رو شد.

می‌توان گفت، مبنایی‌ترین راهبردی که نه تنها به حل مسئله قاچاق خواهد انجامید، بلکه سایر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را به سمت مطلوب خواهد برد، سرمایه‌گذاری برای رشد و نمو پدیده‌ای است که از آن تحت عنوان «انسان فرهیخته» یاد می‌کنیم. راهبردهای بلند مدت اصلاح نظام آموزشی و پرورشی، ترویج و تعمیق فرهنگ و باور عمومی مصرف کالای کیفی ایرانی و تقبیح فعل قاچاق با بهره‌گیری از ظرفیت گروه‌های مرجع و رسانه‌ها به منظور اصلاح الگوی مصرف، توسعه زیرساخت‌های سازمانی و منابع انسانی (شناسایی، پرورش و به‌کارگیری انسان‌های فرهیخته در بدنه دستگاه‌ها)، سیاست‌گذاری بر اساس بازتعریف تعاریف زیستی جامعه مطابق امواج تغییرات جهانی و راهبردهای پیشگیری بلند مدت یا کلان و پیشگیری اجتماعی از جرائم می‌تواند در این مسیر تأثیر عمیقی بگذارد و همزمان با کنترل پدیده قاچاق، شاخص‌های رفاهی کشور را نیز در وضعیت مطلوب‌تری قرار دهد. لازم به ذکر است به این مقوله در شاخص لگاتوم پرداخته نشده و آن شاخص به ذکر مصادیق ظهور و بروز یافته دیگری می‌پردازد که ریشه‌های رسیدن به رفاه را که وجود «انسان‌های فرهیخته» است مورد سنجش مستقیم قرار نمی‌دهد. این مفهوم و مقوله‌های توجه به منابع انسانی در سیر فرایند پژوهش احصا شد. شایان ذکر است برخی از متغیرهای رفاه لگاتوم از دید خبرگان ارتباط معناداری با پدیده قاچاق کالا و ارز نداشت که در الگوی نهایی قرار نگرفته است.

از سوی دیگر پیشگیری وضعی، پیشگیری کوتاه‌مدت (خرد) و حتی پیشگیری واکنشی (کیفری) در کوتاه مدت و میان مدت برای جلوگیری از آسیب‌های لحظه‌ای و فعلی قاچاق کالا و ارز ضروری است. حمایت از تولید از منظر مقدار، کیفیت و تنوع به منظور تبدیل ظرفیت قاچاق به تولید، ایجاد شرایط بازپروری و فعالیت تولیدی برای فعالین زنجیره قاچاق، اصلاح سیاست‌های کلان اقتصادی و تجاری، توسعه منطقه‌ای (احداث واحدهای تولیدی و افزایش تخصیص منابع در نوار مرزی)، آگاهی بخشی آسیب‌ها و مخاطرات برای مصرف‌کننده، تولیدکننده و واردکنندگان، افزایش فرصت تحصیل و آموزش برای کودکان بویژه در نقاط مرزی، ایجاد اشتغال



پایدار در ازای تشدید اقدامات مقابله‌ای، حمایت از کارآفرینی از طریق کاهش هزینه‌های شروع کسب و کار و حق امتیاز و صدور مجوز، مدیریت هوشمندانه مبادلات مرزی و مدیریت مؤثر مرز، ایجاد تفاهم‌های منطقه‌ای در حوزه تجارت، استفاده از ظرفیت سامانه‌های هوشمند برای نظارت نیز از دیگر مواردی است که اگرچه کمابیش در حال پیگیری و نظارت تحت نظر ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز هستند، لیکن با صرف دقت و انرژی بیشتر ضمن استفاده از تجربیات گذشته می‌تواند در کوتاه یا میان مدت نتایج قابل توجهی را فراهم آورد.

در این بین، از جمله موارد حائز اهمیت اولویت بخشی به متغیرهای اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها نسبت به سایر متغیرهاست. پدیده قاچاق کالا و ارز اگرچه می‌تواند در اثر عوامل مداخله‌گری نظیر انگیزه‌های بیوتروسم نیز تقویت شود، لیکن ذاتاً ماهیت اقتصادی دارد به این معنا که بخش عمده فرایند کنترل آن منوط به کنترل ریشه‌های اقتصادی این پدیده است. لذا اگر عزم به حداقل رساندن آن داریم، از جمله موارد حائز اهمیت که در کوتاه و میان مدت نیز می‌تواند نتایج قابل توجهی را حاصل نماید، اولویت‌بخشی به مؤلفه‌ها و متغیرهای اقتصادی در تصمیم‌گیری‌هاست. در این مسیر، امید است توجه به حواشی امنیتی قاچاق کالا و ارز مانند موضوع مخاطرات زیستی و مؤلفه‌های حائز اهمیت آثار فرهنگی و اجتماعی کنترل نامطلوب این پدیده، منجر به عزم همگانی و افزایش هماهنگی در کنترل آن شود.

ارزیابی مستمر وضعیت قاچاق کالا و ارز به‌طور منطقه‌ای و ملی به‌منظور بازخوردگیری و اصلاح و به‌روزرسانی رویه‌ها نیز از جمله مواردی است که در تعریف فرایند کنترل که در بخش ادبیات پژوهش مرور شد، ذکر شده بود و از جمله مواردی است که در نتیجه پژوهش نیز حاصل شد.

علاوه بر مستندسازی بخشی از دانش سازمانی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، از دیگر نتایج پژوهش حاضر، احصاء برخی اولویت‌های پژوهشی و سؤالاتی است که از نگاه خبرگان نیازمند بررسی و تأمل بیشتری است و با تعمق و ارائه‌ی پاسخ‌های

مناسب برای آن‌ها گره‌هایی که در مسیر فرایند کنترل با آن مواجه هستیم گشوده خواهد شد.

۱- انجام پژوهش در حوزه تدوین الگوی مطلوب پیش‌گیری و تدوین الگوی مطلوب مبارزه با قاچاق بر اساس شرایط هر اقلیم: موضوعی است که با توجه به تفاوت‌های قابل توجه نوار مرزی نسبت به مناطق مرکزی کشور و همچنین تفاوت مناطق مرزی شرق، غرب و جنوبی کشور، مستلزم توجه ویژه است و به نظر می‌رسد نتایج متفاوت و خاص و در واقع نیازمند نسخه‌ی ویژه‌ای برای مسئله قاچاق در هر یک از این مناطق هستیم.

۲- آمایش منطقه‌ای به‌منظور علت‌یابی و تعیین مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی از حیث کنترل قاچاق ضروری به‌نظر می‌رسد.

۳- پاسخ به این سؤال که می‌بایست در شرایط تحریم و شرایط منطقه‌ای، سیاسی، اجتماعی و توسعه‌ای کشور، به مقوله قاچاق به‌عنوان یک تهدید بردازیم و یا مسئله‌ای که می‌تواند فرصت‌هایی نیز همراه داشته باشد.

۴- حل مسئله دوگانگی رویکردها نسبت به آثار استانی و منطقه‌ای در مقایسه با آثار ملی پدیده قاچاق مستلزم انجام پژوهش‌های کمی و کیفی و مقایسه‌ای ویژه‌ای است.

۵- با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن پدیده‌ی قاچاق کالا و ارز، احصاء و به‌روزرسانی شاخص‌های ارزیابی بر اساس پژوهش‌های کیفی و کمی برای استمرار فرایند کنترل ضروری به‌نظر می‌رسد.

۶- با توجه به آن‌که پدیده قاچاق کالا و ارز ماهیت جرم‌انگارانه دارد، انجام پژوهش و ارتقاء دانش سازمانی در خصوص نظریه‌های الگوهای مجرمانه، موضوعی است که برای تمامی بخش‌های کنترل قاچاق کالا و ارز برای لحاظ نمودن در فرایندهای کنترل (سامانه‌های الکترونیکی، تدوین مقررات، آموزش، منابع انسانی و ...) حائز اهمیت خواهد بود.

امید است این پژوهش، به‌عنوان مقدمه‌ای برای تحقیقات آینده مبنا قرار گیرد و پیگیری موضوعات پژوهشی مذکور، به تدوین الگوی جامع کنترل قاچاق کالا و ارز منجر شود.

#### تقدیر و تشکر:

در پایان برخورد لازم می‌دانیم از همکاری مدیران و کارکنان محترم ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کمیسیون‌های استانی و اساتید محترم دانشگاهی به‌ویژه همکاران محترم اداره کل نوسازی، پژوهشو توسعه منابع انسانی ستاد، کمال تشکر و قدردانی را ابراز نماییم. با توجه به پروتکل انجام مصاحبه، از ذکر نام این عزیزان معذوریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۷. فهرست منابع:

## منابع فارسی:

- ۱- احمدی، عبدالله. (۱۳۸۵). جرم قاچاق (چاپ سوم). تهران: انتشارات میزان.
- ۲- امیدی کیا، کامران؛ مشبکی، اصغر؛ خدادادحسینی، سیدحمید و عزیزی، شهریار. (۱۳۹۱). شناخت قابلیت‌های سازمانی جایگاه‌سازی برند شرکت در صنعت مواد غذایی با استفاده از نظریه داده بنیاد. فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. سال ۶، شماره ۱، صص. ۷۲-۳۵.
- ۳- بازرگان، عباس. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: انتشارات دیدار.
- ۴- برآورد حجم قاچاق کالا. سایت اقتصاد پنهان ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز. (www.epe.ir). (۱۳۹۷).
- ۵- شورای برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی کشور، به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی (۱۳۷۹)، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (چاپ اول)، صص. ۱۳-۱۵.
- ۶- بیابانی، غلامحسین. (۱۳۸۸). قاچاق کالا نبردی بی‌صدا علیه اقتصاد کشور، مجله کارگاه، سال ۲، دوره ۲، شماره ۸. صص. ۷۸-۸۸.
- ۷- بیات، بهرام؛ شرافتی، جعفر؛ عبدی، نرگس. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، معاونت اجتماعی ناجا.
- ۸- پیرس، جان ای؛ رابینسون ریچارد بی. (۲۰۰۹). برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی (۱۳۸۹). چاپ ششم، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- ۹- حیدری، فاطمه؛ فراهانی، حسین؛ محمدی یگانه، بهروز. (۱۳۹۴). نقش تجارت کالاهای غیررسمی (قاچاق کالا) بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی سکونت‌گاه‌های روستایی (نمونه مورد مطالعه، دهستان خاوومیرآباد شهرستان مریوان). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی.
- ۱۰- جوان، فرهاد؛ واعظ طبسی، علی؛ هاشمی زهی، سودابه؛ میرکی اناری، حسین. (۱۳۹۵). سنجش میزان پایداری امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: روستاهای مرزی هیرمند)، پژوهشنامه جغرافیایی انتظامی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص. ۸۲-۵۷.

- ۱۱- دالوند، سیروس؛ محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۹۶). راهکارهای پیشگیری وضعی از قاچاق لوازم خانگی (مورد مطالعه: شهر بندرعباس سال ۱۳۹۵). فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی. سال ۱۹، شماره ۳. صص. ۶۹-۸۴.
- ۱۲- دانایی فرد حسن و امامی، سید مجتبی. (۱۳۸۶)؛ تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد: استراتژی‌های پژوهش کیفی. فصلنامه اندیشه مدیریت. شماره ۲، صص. ۶۹-۹۷.
- ۱۳- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر؛ عادل. (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت. انتشارات صفار.
- ۱۴- ذوالفقاری، حسین؛ طالبیان، حسین؛ میرحبیبی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). بررسی اقدامات پیشگیرانه در مبارزه با قاچاق کالاها در دغانی ورودی به استان کرمان، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم سال ۱۴، شماره ۱۵، صص. ۶۱-۶۷.
- ۱۵- رازینی، روح الله و عزیزی، مهدی. (۱۳۸۴). طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی. مدیریت اسلامی. سال ۲۳، شماره ۴. صص. ۷۳-۱۰۰.
- ۱۶- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۳). رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
- ۱۷- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۱)، مبانی رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- ۱۸- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۹۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی (۱۳۸۵). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۹- دریانورد، سیده وحیده. (۱۳۹۵). خرده فرهنگ قاچاق کالا در شهرهای مرزی ایران؛ علل و عناصر. دو فصلنامه بررسی‌های حقوقی (مجله تخصصی حقوق اقتصادی)، سال ۶، شماره ۱۰. صص. ۲۳-۳۵.
- ۲۰- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ([www.rrk.ir](http://www.rrk.ir)). (۱۳۹۸).
- ۲۱- سیف، اله مراد. (۱۳۸۷). قاچاق کالا در ایران. انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۲۲- شاطریان، محسن؛ گنجی پور، محمود؛ اشنویی، امیر. (۱۳۹۲). تأثیر وضعیت اجتماعی-اقتصادی مرزنشینان بر قاچاق کالا (مطالعه‌ی موردی: استان-های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲. صص. ۱۵۷-۱۷۸.

- ۲۳- صادقی، محمد؛ دهقان، محمود. (۱۳۹۵). قاچاق کالا و ارتباط آن با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق مرزی (نمونه موردی: شهرستان میناب). علوم و فنون مرزی، سال ۷، شماره ۳، پاییز ۹۵. صص. ۱۰۴-۷۹.
- ۲۴- صحبتی‌ها، علی و علی ذوالقدر. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر قاچاق کالا (مطالعه موردی استان زنجان)، اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران، موسسه همایشگران مهر اشراق، مرکز همایش‌های دانشگاه تهران.
- ۲۵- طاهری، مرتضی؛ عارفی، محبوبه؛ پرداختچی، محمدحسن و قهرمانی، محمد. (۱۳۹۳). کاوش فرایند توسعه حرفه‌های معلمان در مراکز تربیت معلم: نظریه داده بنیاد. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. س ۱۲. ش ۴۵: ۱۴۹-۱۷۶.
- ۲۶- عیاجی، مریم. (۱۳۸۳). پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان. مجله حقوقی دادگستری، ۴۷، صص ۵۸-۶۱.
- ۲۷- کرسول، جولیت. (۲۰۰۷). پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی. ویرایش دوم ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسن کاظمی (۱۳۹۴). تهران: انتشارات صفار.
- ۲۸- ماکارو، دیوید. (۱۹۹۷). رفاه اجتماعی (ساختار و عملکرد)، ترجمه محمدتقی جغتایی و فریده همتی (۱۳۷۸). انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، چاپ اول، ص ۱۰.
- ۲۹- محیزادگان، یوسف، پرداختچی، محمدحسن، قهرمانی، محمد و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۲). تدوین الگویی برای بالندگی اعضای هیئت علمی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۷۰. صص. ۱-۲۵.
- ۳۰- نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین. (۱۳۸۲). پیش‌گیری از بزه‌کاری و پلیس محلی. مجموعه مقالات پیش‌گیری از جرم، معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم قوه قضائیه. مرکز مطبوعات و انتشارات. چاپ اول.
- ۳۱- نسترن، مهین؛ ربیعی، کامران؛ عبدخدا، کامیار. (۱۳۹۷). بررسی اثرات اشتغال غیررسمی بر پایداری اجتماعی نمونه موردی شهر بانه. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۷. صص. ۸۹-۱۲۲.
- ۳۲- جواد، شمس؛ مؤمنی، منصور؛ ربیعی، علی. (۱۳۹۰). مقایسه اهمیت نسبی عوامل قاچاق کالا در ایران و امارات متحده عربی با رویکرد AHP، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مرکز پیام نور تهران، دانشکده مدیریت.
- ۳۳- مقیمی، معصومه. (۱۳۹۴). طراحی الگوی اخلاق حرفه‌ای مدیران آموزشی با رویکرد اسلامی — ایرانی. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

- ۳۴- منتظری، محمد؛ زاهدی، شمس‌السادات؛ الوانی، سیدمهدی؛ قربانی‌زاده، وجه‌الله. (۱۳۹۰). طراحی مدلی برای ارتقای انگیزه خدمت عمومی مدیران در ایران. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه عالمه طباطبایی. دانشکده مدیریت و حسابداری.
- ۳۵- منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶). گراند تئوری: نظریه‌سازی استقرایی بر اساس داده‌های واقعی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت.
- ۳۶- موسوی، میرطاهر و محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۸). مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران، نشر دانژه، چاپ اول. صص. ۲۹۰-۲۷۰.
- ۳۷- نعیمی، عبدالله؛ ریاحی، حامد. (۱۳۹۸). زنجیره تامین، فناوری بلک چین و تاثیر آن بر پیشگیری از قاچاق کالا، دوماهنامه اقتصاد پنهان، دوره ۴، شماره ۱۷. صص. ۳۹-۶۳.
- ۳۸- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، صص. ۱۶۹-۲۲۶.
- ۳۹- هادوی‌نژاد، مصطفی؛ دانایی‌فرد، حسن؛ آذر، عادل و خائف‌الهی، احمد (۱۳۸۹). کاوش فرایند رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان با استفاده از نظریه داده بنیاد. فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. سال چهارم. شماره ۱. صص. ۸۱-۱۳۰.

#### منابع لاتین:

- 40- Bhagwati, Jagdish & Hansen, Bent. (1973). A Theoretical Analysis of Smuggling. *The Quarterly Journal of Economics*. 87. 172-87. 10.2307/1882182 .
- 41- Creswell JW. (2007). *Qualitative inquiry & research design: Choosing among five approaches*. London: sage publications
- 42- Glaser, Barney G., & Strauss, Anselm L. (1965), *Awareness of Dying*. Id. (1967), *The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research*.
- 43- Kvale, S. (1996). *Inter Views: An introduction to qualitative research writing*. Thousand Oaks, Calif: Sage Publications.
- 44- Lawshe CH. A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 1975, 28, 563-575.
- 45- Lovely, M. E., & Nelson, D. (1995). Smuggling and welfare in a Ricardo-Viner economy. *Journal of Economic Studies*.
- 46- Pearce. J.A. And Robinson Richard B., Jr. (1988). "Strategic Management, Irwin ."
- 47- THE LEGATUM PROSPERITY INDEX 2019. Legatum Institue (<https://li.com>). (2020).



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ